

نگاهی از درون به یك پدیددٔ اجتماعی

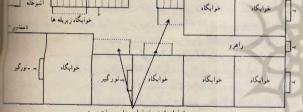
آلونگ نشینی درسنگاپور

«آلونك نشنينان سنگابور»، بخشی ازنتيجه يك تحقيق ميدانی است كه توسط «بارينگتون كای» صورت گرفته ودرآن شرايط سخت زندگی درمساكن نابهنجار خيابانی درسنگابور تشريح می شود. درابتدا موقعيت محلی و ويژگی های كلی توصيف می شود وسس زندگی سه نفراز ساكنين آلونك ها مورد بررسی قرارمی گيرد. ***

🔵 خيابان «نانه کين» بالا، درقلب محله چيني هاي سنگاپر ر واقع شده است. ازشمال به راه بل جديد وازجنوب به راه پل جنوبي ختم مي شود ودر واقع يكي ازاضلاع نقشه شطرنجي طراحي شده به سال ۱۸۳۵ به حساب مي آيد. طول این خیابان حدود دویست متر است ودوسرآن به دوخیابان یك طرفه وشلوغ منتھی می شود که ترافیات سنگین این سوی بدان سوی شہر رابردوش می کشند وهمین امر به خیابان «نانه کین» انزوای خاص خود را می بخشد: برکنار ازدوتكه زمين خالى كه برهريك آلونكي زونيده احت وبجز بخش عقبي معبد چینی هاکه به خیابان «هوکاین» بازمی شود، خیابان «نانه کین» پوشیده از مغازه های سرخانه (Store house) دویاسه طبقه ای است که ردیغی پشت مغازه های خپایان های موازی دوطرف «نانه کین» بعنی خپایان «چین چو» در غرب و خپایان «هو کاین» بالا در شرق قرار گرفته اند. از آنجا که مغازه های سرخانه واقع در این خیابان ها بهم راه ندارند، حل و فصل علانق اجتماعی متعددی درخیابان صورت می گیرد. اکثر ساعات روز کار وبار فراوانی درطول خیابان درجریان است، مردمان از کار بازمی گردند ویابه سرکار می روند و فروشندگان دوره گرد فریاد زنان و رجزخوانان به فروش غذاهای بخته وچیزهای دیگری مشغولند. فعالیت های گرناگون باد شده مدیون وجود مغازه های سرخانه اند که برخی کارگاه وحتی کارخانه ای کوچك محسوب می شوند، کودکان درراه پله ها وبرپیاده روها به بازی مشغول اند، عده ای غیبت می کنند و برخی به سایر فعالیت ها دست می بازند.

تجسم نقشه اولیه داخل این مغازه خانه ها، قبل ازدگرگون شدن کار دشواری است. اما به نظر می رسد که فضای پشت مغازه درطبقه همکف به آشپزخانه اختصاص داشته که درعین حال اطاق غذاخوری نیز به حساب می آمده است، طبقه اول ودوم احتمالاً به دواطاق تقسیم می شده است که یکی درجلو ودیگری درعقب قرارداشته که دراطاق عقبی پنجره هایی به نورگیر یاهواکش قرارداشته است. تاین (Tien) تصویری ازنقشه های مغازه سرخانه ای درجاده «یادون گان، کوچینگ» قبل و بعداز دگرگون شدن ارائه کرده است ولی منبع آن را ذکر نکرده و از آنجا که طبقه اول در نقشه اولیه به دو خوابگاه تقسیم شده است می توان درصحت نقشه های آقای تاین تردید کرد. بر کنار از اینکه نقشه این مغازه های سرخانه چگونه بوده است، این حقیقت مسلم است که باشکل کنونی تغاوت های اساسی داشته است. درحال حاضر بوجزچند مورد استثنائی هرطبقه توسط پار اوان های موقتی وازسر ناچاری به

خوابگاه های متعدد نامنظمی تقسیم شده است. نقشه تیپیك طبقه اول ارائه اس است: به های طبه بالا به جارا



محل قراردادن رختخواب های مو قت در شم

درطبقه همکف، خوابگاه ها درپشت مغازه ها قرار دارند و درطبه ۲۰ خوابگاه ها را زیر شیر وانی تعبیه کرده اند، هرگاه برای جداکردن قسمتی بنزد خوابگاه جایی یافت نشود، فضای خالی زیرپله ها برای خوابیدن به مجرد اجاره داده می شود. درچنین حال و هوایی، آدمیان محله به دنیا می آیندونه خویش را گذرانده رخت ازجهان برمی بندند.

مورد پژوهی ها

وونگ کاووك تانگ(Wong Kwok Tong)

اطلاعات شناسایی: وونگ کاووك تانگ با دو پسر مجرد خود مر می گذارند. او ۶۶ ساله و پسرانش ۲۶ و ۲۴ سالهاند. خوابگاهی را از ۲۰ ـل پیش در اختیار دارد. محل اقامت قبلی را به علت کوچك بودن رها کردداست او در ایالت «کوانگ تانگ» چین بدنیا آمده و در سن ۲۲ سالگی به سنگایر مهاجرت کرده است.

او از اطاق های پشت مغازه های طبقه اول یکی را اشغال کرده است کار طریق دو پنجره روشن می شود. یکی از پنجره ها به پشت خانه ها باز می نرد دیگری به نورگیر. پاراوان هایی که اطاق را تقسیم بندی می کند تا سقف درا دارد. اطاق هائی که به این شکل درست می شود ۲/۷ × ۲/۱ متر سات دارد و در آن تختی دو نفره همراه قفسه و میزی قرار دارد. وونگ کاوولاتانگ و یکی از پسرانش برتخت می خوابند و پسر دیگر برزمین آرام می گیرد. اطق فاقد برق است و شب ها با چراغ لامیا روشن می شود.

فاقد برق است و شب ها با چراغ لامبا روشن می شود. مصاحبه: وونگ کاووك تانگ در هفت سالگی به مدرسه رفته و يك سار نيم درس خوانده است. مدرسه از ساعت ۷ صبح شروع و در ۶ بعدازظير فلته می یافته است. وونگ به مدارس قديمی ارجی وافر می نهد و معتقد است که يك سال درس خواندن در چين، با چندين سال تحصيل در سنگابور براری می کند. هشت تا دوازده سالگی را به کشاورزی گذرانده و در سيزه سالگیه

شماره ينجم/مفحه ال

سوزرنته و چهارسال در فروشگاه بزرگی کار کرده است. پس از آن راهی سکنگ شده و به کارهای مشابعی دست زده است. در نوزده سالگی به ینای زادگاهش بازگشته و از دواج کرده است. پس از از دواج دوباره راهی اون شده در مغازه ای ۶ ماه مشغول بوده است ولی مغازه به علت کسادی ارزر ښکيت شده و لذا آقاي و ونگ کاو وك تانگ به سنگاپور مهاجرت و از ب مادر و مادر بزرگ جدا شده است.

رونگ پس از شش سال شاگردی در مغازه ای بزرگ به اندازه کافی بول درگذاشت تا از سنگاپور مجددا به چین رفته از مادر و مادر بزرگ خود دیدن که س از مدتی از چین بازگشته، همسر و بسر بزرگ خود که در آن زمان ا ساله بود و الآن در مالایا زندگی می کند را همراه خود به سنگاپور آورد. سراو در سنگاپور پنج بچه دیگر بدنیا آورد. دومین پسرش دارفانی را وداع ار بسر سوم ازدواج کرده در همان طبقه خوابگاهی را اشغال کرده است و پدر و برادرانش هم خرج نیست. بسر چهارم و پنجم نیز همانهایی اند که با ی بسرمی برند. ششمین فرزند دختری است که اکنون با بستگان خانواده کی می کند. همسر وونگ به هنگام اشغال سنگاپور توسط ژاپنی ها فوت

رړنگ در دوران قبل از جنگ با خانواده سه بار به چين رفتند و از مادر و الروزگ دیدن کردند و هر بار ۲ تا سه ماه درچین اقامت داشتند. اما مادر و اربزرگ دیگر زنده نیستند.

ردم سنگاپور مردمانی سخت پیچیده اند. درچین بندرت آدمهایی چون کین، تەلوچو و ھاينانس (آشنايان سنگابورى خانوادە) بيدا مى شوند. درچين و کمانی که دور و برخانواده اند، زبان محلی و لهجه مشترکی دارند. اما برسنگاپور بیرحماند و محبتشان زودگذر است. ولی چینیها مهربانی بکی را هزار سال به خاطر می سپارند.

شرورونگ اه سام»

اللاعات شناسایی: خانم وونگ آه سام بهمراه شوهر و دو فرزندشان که ار دخری ۵ ساله و دیگری بسری چهارساله است در خوابگاه زیر شیر وانی زبه شب می آورند. خانم آه سام ۳۷ ساله و شوهرش ۳۸ ساله است. شوهر خانم ام که اساسا از اهالی کانتون مرکز ایالت «کوانگ تونگ» چین بشمار ررددراندونزی بدنیا آمده و در مدرسه ابتدایی چینی تحصیل کرده است. ارسال ۱۹۳۶ میلادی به هنگامی که ۱۹ بهار را پشت سر گذرانده بود به للبور آمده برای کار گذاردن لوله های فاضلاب به استخدام مقاطعه کاری ا از آن زمان تا به امروز به همین کار اشتغال دارد و البته مشاغل گذرای ارى را نيز تجربه كرده است، زيرا براى آن كه دائما به لوله كشى ببردازد. کافی گیرش نمی آید.

نانهآه سام نیز از نظر تبار اهل کانتون است. اما در سنگاپور به دنیا آمده و اربه مدرسه نرفته است. او و شوهرش ۱۲ سال قبل، در یك محضر و بدون لله و کمك اقوام پيمان زناشويي بستند.

فرابگاه با اطاقك زیر شیروانی كه مسكن خانواده به شمار می رود توسط ای عمود بر زمین به طبقه بائینی وصل می شود و اطاقك (۳/۶×۳/۶) متر سرناند بنجره است. به علت قرار گرفتن در زیر شیروانی فقط در وسط آن وان ایستاد و ارتفاع دو طرف اطاقك از كف اطاق به ۱/۲ متر مى رسد. برکنار از چند صندلی و جعبه های خالی، تختی دو نفره به ابعاد ۱/۸×۱/۵ باکمدی مربوط به آن، کف اطاقک را پوشانیده است. شوهر بر تخت

بغرابد و خانم آه سام و فرزندانش بر زمینِ آرام می گیرند. ماجه: در کود کی با والدین و مادر بزرگ زندگی می کرده است و مادر ال نگهداری از او را به عهده داشته است. هرگز رنگ مدرسه را ندیده و می ساعات روز را به بازی می گذرانده است.

اردرازده سالنگی به همراه خانواده به مغازه بدر (مغازه سرخانه فعلی) نقل ال کرده و در همان جا به تأنی جعبه سازی را فرا گرفته است. مادر آه سام س مسر پدر او بوده و دو دختر به دنیا آورده است که یکی همین خانم آه ار، باتي شنافته است. البته بدر، همسر سومي نيز داشته كه او نيز فرزندي به ابادردد است. با در گذشت همسر اول، مادر خانم آه سام زن اصلی بدر به ال می آمده و لذا به هنگام درگذشت همسر سوم، او را برای انتخاب ارین هسر که به مدد خانواده و کارگاه بشتابد و مراقب مادر بزرگ نیز المدبه چین می فرستند اما قبل از آن که همسر چهارم به سنگاپور بیاید، مادر مراساه دارفانی را وداع می گوید. زن چهارم که مادر خود را نیز با خود به للبورمي آورد. مشاعر درستي نداشته قادر به کنترل و اداره خود نبوده اندزن چهارم حامله می شود ولی پدر آه سام قبل از زایمان زن چهارمش وبرد ونوزاد نیز کمی پس از تولد دست از هستی می شوید.

در همین اثنا خواهر بزرگتر خانم آه سام نیز ازدواج می کند و به همراه شوهرش به جایی دیگر می رود و در نتیجه کار و کسب خانواده به عهده آه سام محول می شود تا ضمن نگهداری از مادر بزرگ مغازه را نیز بچرخاند. خانم آه سام با یکی از ساکنین خوابگاه مجاور یعنی همسر فعلی اش ازدواج می کند تا در کار مغازه یاور او شود. متاسفانه مغازه ایشان نیز در خلال جنگ توسط متحدین بمباران شده از بین می رود. به هنگام اشغال سنگاپور توسط ژاپنی ها، مادر بزرگ و زن چهارم پدر نیز می میرند (در مصاحبه از سرنوشت مادر زن چهارم پدر اطلاعی بدست نداده است).

خانم آه سام آنچنان به شرایط زندگی در خیابان نانه کین بالا غادت کرده است که تصور نمی کند اگر جای بهتری برای زندگی به او بدهند. شادمانه تر خواهد زیست. وقتی خانم آه سام به مدت دو هفته در بیمارستان «راه میانه» بستری بود، پرستاری از او پرسیده بود که زندگی در بیمارستان را ترجیح می دهد یا در مغازه سرخانه خود را. او پاسخ داده بود که اگر چه بیمارستان جای بهتری است، هوا در آن جریان دارد و تمیزتر است، لیکن او زندگی در خيابان نانه كين بالا را ترجيح مي دهد. او به شرايط مسكن وقعي نمي نهد اما از آنجا که این روز ها بول به سختی به کف افرادی مثل او می آید، اگر شغل ثابتی داشت، زندگی ساده و راحت تر سپری می شد.....

خانم لي أه ماك

اطلاعات شناسایی: خانم لی آه ماك ۲۶ ساله است و با همسر ۳۱ ساله و بنج فرزندش روزگار می گذراند. سن این فرزندان به ترتیب ۶ ساله، ۵ ساله، ۴ ساله، ۱۸ ماهه و دو ماهه اند.

شوهر خانم «لی آه ماك» در ایالت گوانگ تانگ چین متولد و در پانزده سالگی به سنگاپور مهاجرت کرده است. او چهار سال بدون وقفه به مدرسه روستا رفته، پیشرفتی چشم گیر داشته است. او حلبی ساز است و در تعمیر نشت منابع نفت تخصص دارد. بهمین دلیل به حوالی پالایشگاه ها و کارخانه های مربوط به نفت در سنگاپور رفته، کارهای عجیب و غریبی انجام می دهد. او هفت سال است که به این گونه امور اشتغال دارد. خانواده لی اطاق جلویی طبقه اول را اشغال کرده که پنجره ای به خیابان نانه کین بالا دارد. ابعاد اطاقی که باروان هایی تا سقف امتداد یافته دارد، (۳× ۲/۱) متر است و تختخوایی دو نفره با دو کمد را در برمی گیرد و لذا فقط ۱/۵ × ۱/۸ متر فضای خالی باقی می ماند که پنج کودك باید در آن بازی کنند. والدین و کودك دو ماهه برتخت می خوابند و چهار بچه دیگر بر کف اطاق سر به بالین می نهند. از برق خبری نیست و اطاق توسط باطری های بزرگ روشن می شود.

مصاحبه: خانم «لی آه ماك» در سنگاپور به دنیا آمده و در «مالایا» بزر شده است. بدرش معمار سنتی ساختمان بود. به هنگامی که لی آه ماك بكساله بود پدرش قراردادی در «کوالالامبور» به کف آورد. لذا تمامی خانواده یعنی مادر پدر، مادر، پدر و او به آنجا رهسپار شدند. او در کودکی با خواهران و برادرانش بازی می کرد و تا ۱۱_۱۰ سالگی به مدرسه نرفت. مادر بزرگش همیشه می گفت دختران را نباید به مدرسه فرستاد زیرا آنان موظف اند که روزی شوهر کنند و چون شوهر کردند به دیگری متعلق خواهند بود لذا چه دردسری است که به تعلیم و تربیت آنان مبادرت شود.

او یك سال و اندى به مدرسه رفت تا اینكه پدرش شغل خود را از دست داد. از آنجا که پدرش دیگر در کوالالامپور کاری نداشت، همه خانواده به سنگاپور باز گشتند. در سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی به باك كردن و جداسازی رزین مشغول شده و در محل کار به علت اختلاف با همکارانش ساعت ها گریه سر می داد. شب ها به روزگار خوش و قدیمی کودکی آنگاه که پدرش مقاطعه کار ساختمان بود، می اندیشید. آنزمان ها او در آغوش تنعم و ثروت عمر می گذرانید. آن روز ها در خانه اي چهار اطاقه زندگي مي كردند و مستخدم كارهايشان را انجام مي داد و حالا باید خود او به سرکار می رفت.

هنوز چند ماهی از کار کردن «لی آه ماك» نگذشته بود که جنگ شروع شده و ژاپنی ها سنگاپور را اشغال کردند. لی آه ماك نيز از آن پس در بيمارستانی به کار مشغول شد. کارهای او از حمل مرده ها تا مخلوط کردن دارو را در بر می گرفت. او در تمام مدت اشغال سنگاپور توسط ژاپنی ها، به این کار ادامه

به هنگامی که انگلیسی های غارت گر و مکار بازگشتند، او کارش را از دست داد. سپس به کار در کارخانه لاستیك سازی و به عنوان طبقه بندی کننده لاستیك مشغول شد و تا سه ماه پس از ازدواج از كار كردن دست نكشید. اکنون پنج فرزند دارد که هیچ یك در سن مدرسه نیستند. پسر بزر گترش سال آینده هفت ساله خواهد شد و مادر از هم اکنون نگران آن است که چگونه او را به مدرسه انگلیسی ها داخل کند. از طرفی او نگران آینده کودکان نیز هست زیرا شوهرش فقط به آندازه امور روزمره در آمددارد. در آینده و با بزرگ شدن بچه ها در آمد بیشتری لازم است. البته شرایط فعلی خیلی بد نیست ...

سالی۔افعادی

J

15

ر.

از

از ا

گ

لاق

ل و

اتمه

، که

برى لى بە